بررسی و مقایسهٔ فیلم‌های مستند باستان‌شناختی دربارهٔ هخامنشیان

سیروس نصراله‌زاده
استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
cyrusnasr@yahoo.com
مسیح موسوی‌زادگان
کارشناسی ارشد ایران‌شناسی (دانشگاه شهید بهشتی ـ بنیاد ایران‌شناسی)
masihmousavi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۱۶

چکیده
این مقاله می‌کوشد علاوه بر ارائه تعریف فیلم مستندِ باستان‌شناسی، طبقه‌بندی زیرگونه‌ها، بیان مزایا و تاریخچهٔ آن در ایران و جهان، به بررسی و مقایسهٔ هشت فیلم مستند ایرانی شاخص در زمینهٔ باستان‌شناسی بپردازد و جایگاه آنها را در میان دیگر فیلم‌های مستند باستان‌شناسی ـ بر اساس مبانی نظری ذکرشده در قسمت اول پژوهش ـ ارزیابی کند. با توجه به فراوانی فیلم‌های مستند باستان‌شناسی، برا مقصود این مقاله، فیلم‌های مربوط به دوره هخامنشیان انتخاب شده اند. تعدادی از این فیلم‌ها با بیانی شاعرانه و ساختاری توصیفی، بدون مشاوره و پژوهش علمی تهیه شده و فقط با نگاهی حسرت‌بار به این دوره نگریسته اند. حال آنکه برخی دیگر بیانی توضیحی دارند و بر مبنای پژوهش‌های دقیق علمی و با کمک گرفتن از مشاوران و کارشناسان با اهداف آموزشی ساخته شده اند و بعضاً مقاله‌ای تصویری در نشر یافته‌های باستان‌شناسی هستند.

واژه‌های کلیدی
فیلم‌های مستند باستان‌شناسی «تخت‌جمشید» (۱۳۳۹)، «ستون‌شکسته» (۱۳۴۵)، «معماری ماد و هخامنشی» (۱۳۶۲)، «خوزستان» (۱۳۷۵)، «گیسوی پریشان سنگ» (۱۳۸۰)، «منم داریوش» (۱۳۸۴)، «شکوه تخت‌جمشید» (۱۳۸۳)، «شگفتی‌های تخت‌جمشید» (۱۳۹۰).

۱. مقدمه

فیلم مستند به‌ویژه در عصر گسترش روزافزون رسانه‌ها و فناوری دیجیتال، روزبه‌روز کاربرد وسیع‌تری می‌یابد. در ایران سال‌هاست که فیلم مستند به سبب ورود به عرصه‌های زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و پژوهشی مورد توجه محافل علمی و نهادهای پژوهشی قرار دارد. تاریخ، تمدن و میراث فرهنگی ایران نیز از جملهٔ موضوعاتی است که مورد توجه مستندسازان قرار گرفته و با توجه به غنای آثار تاریخی و مطالعات باستان‌شناسی، تاکنون فیلم‌های مستند زیادی در این زمینه تولید شده است. این فیلم‌ها در زمینه‌های قلمرو فرهنگی ایران از منظر باستان‌شناسی از دوران پیش از تاریخ تا به امروز، مناطق و محوطه‌های باستانی، و نتایج دستاوردهای مطالعات باستان‌شناسی ساخته شده اند؛ البته نه به صورت برنامه‌ریزی‌شده و مداوم. دورهٔ هخامنشیان، تخت جمشید و آثار برجای‌مانده از این دوره نیز از جملهٔ ادوار و آثار مهم در مطالعات باستان‌شناسی بوده و به عبارتی دروازه مطالعات باستان‌شناسی ایران است (شهمیرزادی،۱۳۸۱: ۲۶) که همواره مورد توجه مستندسازان قرار داشته و فیلم‌های مستند فراوانی از دیدگاه‌های گوناگون در مورد آنها ساخته شده است.

در این پژوهش، ابتدا مبانی نظری فیلم‌های مستند باستان‌شناسی اعم از تعریف، طبقه‌بندی، فواید و تاریخچهٔ در ایران و جهان ارائه شده و سپس هشت فیلم مستند باستان‌شناسی ساخته‌شده دربارهٔ هخامنشیان بررسی و مقایسه شده است. سؤال اصلی‌ای که این پژوهش می‌کوشد بدان پاسخ دهد این است که «مطالعات و باستان‌شناسی دورهٔ هخامنشی چگونه در فیلم‌های مستند باستان‌شناسی منتخب، منعکس شده اند؟».

۲. تعریف فیلم مستند ایران‌شناسی باستان‌شناختی

برای دستیابی به تعریف فیلم مستند باستان‌شناسی، نخست ارائهٔ تعاریفی از فیلم مستند و باستان‌شناسی لازم است. در ساده‌ترین و روشن‌ترین بیان می‌توان گفت: فیلم مستند شکلی سینمایی است که زندگی واقعی انسان و محیط او را غالباً بدون استفاده از داستان، صحنه‌پردازی و بازیگران حرفه‌ای به نمایش می‌گذارد. این شکل سینمایی معمولاً از واقعیت‌های عینی و طبیعی استفاده می‌کند (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۷: ۲٤۰). باستان‌شناسی نیز مطالعهٔ فرهنگ مادی انسان‌ها و جوامع گذشته است. باستان‌شناسی یکی از شعبات انسان‌شناسی است که در تصحیح متون تاریخی نقش عمده‌ای دارد. محدودهٔ مطالعات باستان‌شناسی بیش‌تر از زمانی است که انسان‌ها شروع به ساخت ابزار کردند. این امر در حدود یک میلیون تا ۸۰۰ هزار سال پیش اتفاق افتاده است. بنابراین می‌توان گفت که باستان‌شناسی آن شاخه از انسان‌شناسی است که دربارهٔ انسان‌های ابزارساز بحث و مطالعه می‌کند. باستان‌شناسان نیز پژوهشگرانی هستند که دربارهٔ فرهنگ مادی انسان و جوامع گذشتهٔ انسانی پژوهش تحقیق و مطالعه می‌کنند (ملک شهمیرزادی، ۱۳۸۱).

ایران‌شناسی باستان‌شناختی نیز عبارت است از: «آشنایی با قلمرو فرهنگی ایران از منظر باستان‌شناسی از دوران پیش از تاریخ تا به امروز، آشنایی با مناطق و محوطه‌های باستانی و بررسی نتایج دستاوردهای مطالعات باستان‌شناسی و کاستی‌های مطالعات با توجه به ارتباط عمیق ادوار تاریخی ایران با یکدیگر، و شناخت وجوه اشتراک و افتراق دوره‌ها از منظر باستان‌شناسی» (حبیبی، ۱۳۸۹: ٤۷).

حال با توجه به تعاریف ارائه‌شده، می‌توان فیلم مستند ایران‌شناسی باستان‌شناختی را چنین تعریف کرد: « فیلمی در قالب مستند و برخوردار از ویژگی‌های متعارف آن (موضوع واقعی، فضای واقعی و شخصیت‌های واقعی) که

با اتکاء به یک پژوهش علمی، به روش‌های جاری، چارچوب نظری، محدودهٔ پژوهش و اهداف کلی باستان‌شناسی ایران و دیگر علوم مرتبط با آن می‌پردازد».

۲. ۱. طبقه‌بندی و گونه‌شناسی فیلم مستند باستان‌شناسی

احتمالاً کاسپر جی. کرامر[1] نخستین پژوهشگری است که در سال ۱۹۵۸، فیلم‌های باستان‌شناسی را با توجه به اهداف آنها در دسته‌های مختلف، شامل فیلم‌های الهام بخش، تربیتی، تفسیری، آموزشی، و ... تقسیم‌بندی کرده است (وایت بیل و هلی، ۱۹۷۵). ژان لوید[2] (۱۹۷۰)، استاد دانشگاه سوربن پاریس، فیلم‌های باستان‌شناسی را با توجه به نوع مخاطبانی که فیلم برای آنها در نظر گرفته شده بود، به دو نوع کلی تقسیم کرده است: «فیلم‌های حرفه‌ای» و «فیلم‌های آموزشی» برای مخاطبان عام. با این حال، امروزه جهت‌گیری فیلم‌های باستان‌شناسی (به استثنای برخی از فیلم‌ها در زمینه فناوری) به سمت عموم مردم است. فیلم‌های حرفه‌ای یا تخصصی با محتوای دقیق‌تر و یا پیچیده‌تر به طور خاص برای استفاده باستان‌شناسان ساخته می‌شود، اما به علت هزینه و ظرفیت محدود پخش یا توزیع، چنین فیلم‌هایی به‌ندرت تولید می‌شوند. شاید یکی از مفیدترین راه‌ها برای بررسی فیلم‌های باستان‌شناسی، تقسیم‌بندی آنها بر حسب موضوع[3] باشد. این فیلم‌ها را با استفاده از تقسیم‌بندی موضوعی، می‌توان به دو شاخهٔ کلی طبقه‌بندی کرد:

۲. ۱. ۱. شاخهٔ اول: در این شاخه، پنج گونه از انواع فیلم (بدون همپوشانی) قرار می‌گیرند:

۱. فیلم‌های مستند باستان‌شناسی روش‌شناسی (متدولوژیک)؛ ۲. فیلم‌های مستند باستان‌شناسی تک‌محوطه‌ای؛ ۳. فیلم‌های مستند باستان‌شناسی عمومی دربارهٔ مناطق یا تمدن‌های خاص؛ ٤. فیلم‌های مستند باستان‌شناسی مسئله‌محور؛ ۵. فیلم‌های مستند باستان‌شناسی در مورد بازسازی صنایع‌دستی و فناوری‌های باستانی (وایت بیل و هلی، ۱۹۷۵).

۲. ۱. ۲. شاخهٔ دوم[4]: با رویکرد به تقسیم‌بندی موضوعی، زیرگونه‌های فیلم مستند باستان‌شناسی را بر اساس «هدف و کاربردشان»، به شرح زیر نیز می‌توان طبقه‌بندی کرد (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۷؛ ۲۹۵):

۱. فیلم مستندباستان‌شناسی کارآموزی یا آموزشی؛ ۲. فیلم مستند باستان‌شناسی پژوهشی؛ ۳. فیلم مستند معرف یک فرآیند باستان‌شناسی؛ ٤. فیلم مستند باستان‌شناسی تجریدی ـ شکل‌گرا؛ ۵. فیلم‌مستند با هدف تولید سند و ثبت تصویری؛ ٦. فیلم‌های مستندی که در مورد دیگر شاخه‌های باستان‌شناسی ساخته شده اند؛ ۷. فیلم مستند پرتره (بیوگرافیک) از باستان‌شناسان؛ ۸. فیلم‌های مستندی که مؤسسات یا نهادهای مربوط به باستان‌شناسی از طریق حمایت‌های مالی از سینمای مستند برای کسب تشخص فرهنگی و یا نیل به اهداف فرهنگی تولید می‌کنند.

همچنین می‌توان فیلم‌های مستند باستان‌شناسی را با تعمیم تعریف آندره لوروا گوران[5] دربارهٔ فیلم مردم‌نگارانه (اتنوگرافیک) برای فیلم‌های مستند باستان‌شناسی، چنین دسته‌بندی کرد: ۱. فیلم‌های پژوهشی؛ ۲. فیلم‌های مستند عمومی؛ ۳. فیلم‌های میانه [حد وسط] یعنی فیلم‌هایی که بدون هدف علمی تهیه شده اند اما خارج از هدف اصلی خود، می‌توانند ارزش‌های علمی نیز داشته باشند (فکوهی، ۱۳۸۷: ۱۱).

۲. ۲. فواید استفاده از فیلم‌های مستند باستانشناسی

این فیلم‌ها نقش مهمی در انتشار داده‌ها، انعکاس نظریه‌های جدید، معرفی یافته‌ها، و دستاوردهای باستان‌شناسی به عهده دارند. مزیت اساسی این فیلم‌ها بر سایر اشکال رسانه‌ای و ارتباطی در انتقال اطلاعات باستان‌شناسی، برخورداری از عامل مهم و مؤثر «حرکت»

است. توانایی فیلم برای ضبط وقایع زنده، پدیده‌های متحرک، فعالیت‌های انسانی و به طور کلی زندگی و طبیعت از جنبه‌های با ارزش فیلم‌های مستند باستان‌شناسی است. این گونه فیلم‌ها می‌توانند وقایع را با حرکت کند یا تند به نمایش گذارد و پدیده‌هایی که با چشم غیر مسلح و یا با عکس قابل دیدن نیستند را نشان دهند. همچنین می‌توان برای نمایش فشرده روزها یا هفته‌ها فعالیت حفاری طی چند دقیقه از فیلم استفاده کرد. استفاده از تکنیک‌های مختلف سینمایی مانند حرکات دوربین، میزانسن در محوطه، فیلمبرداری هوایی و ... می‌تواند بسیار مؤثر باشد. استفاده از انیمیشن یکی از تکنیک‌های مهم در فیلم‌های باستان‌شناسی برای انتقال سریع و راحت اطلاعات است. بازسازی بناهای باستانی که از دست رفته اند و یا بقایایی از آنها در دست است، بازسازی وقایع گذشته، حرکت دادن نقش‌ها برای بیان روایت‌های تاریخی و زنده نمایی آنها، مدل‌سازی از جمله این کاربردهاست (قائم‌مقامی، ۱۳۸۷؛ ۱۱۸و۱۱۹). استفاده از حرکت درونی فیلم از طریق نمابندی دقیق، تعیین زوایای دوربین و ریتم تدوین برای ایجاد تأثیر روانشناختی بر بیننده (تعلیق) و وادار کردن او برای حدس زدن هویت محوطه و ساکنان آن از دیگر مزایای فیلم‌های باستان‌شناسی است.

۲. ۳. پیشینهٔ سینمای مستند باستان‌شناسی در جهان

ساخت فیلم‌های باستان‌شناسی از اواخر دورهٔ سینمای صامت آغاز شد. دو فیلم صامت مستند دربارهٔ دنیای باستان، در موزهٔ فیلم «پی بادی» در دانشگاه هاروارد از سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲– ۱۹۳۳ موجود است که حفاری‌های «دوروتی گرود»[۶] باستان‌شناس انگلیسی را در کوه معروف «کرمل»[۷] در فلسطین نشان می‌دهد، و شامل صحنه‌هایی مربوط به کشف اسکلت یک کودک نئاندرتال در *غار بچه‌ها* در تاریخ ۲۶ مارس سال ۱۹۳۱ است. احتمالاً فیلم‌های صامت بسیاری از این نوع سفرهای باستان‌شناسی، در دهه‌های۱۹۲۰و۱۹۳۰ وجود دارد، اما بسیاری از آنها در آرشیو موزه‌ها یا مجموعه‌های شخصی باقی مانده و هرگز به نمایش عمومی در نیامده است و یا برای تدوین آنها تلاشی صورت نگرفته و موسیقی متن و زیرنویس‌شان تهیه نشده است. تنها صحنه‌هایی که از فیلم‌های اولیهٔ باستان‌شناسی در حال حاضر در دسترس است، صحنه‌هایی‌ست که در فیلم‌های جدید گنجانده شده اند (Wight Beale, Healy, 1975).

تجهیزات پیشرفتهٔ فنی فیلم‌سازی، تولید و پخش فیلم در آن سال‌ها در انحصار هالیوود بود. در هیئت‌های اعزامی باستان‌شناسی به دوربین‌های فیلمبرداری به عنوان اسباب‌بازی‌های گران‌قیمت و یا شئ تازه‌ای نگریسته می‌شد که امکان خرید و تهیهٔ آن برای همه میسر نبود. گرایش کلی فیلم‌های باستان‌شناسی این دوره، ضبط گستردهٔ انواع صحنه‌های زندگی حفاران، بدون هیچ‌گونه برنامه‌ریزی و نقشهٔ قبلی بود. تنها هدف نمایش چگونگی حفاری و زندگی کارگران بود مانند فیلم‌های سفر هیئت اعزامی به عراق در سال ۱۹۲۸– ۱۹۲۹.

در سال ۱۹۳۷ فیلم‌های «پل رنگین کمان درهٔ یادبود»[۸] از کاوش‌های صحرای یوتا و آریزونا، در امتداد حوضهٔ رودخانه کلرادو به کارگردانی «انسل‌هال» و فیلمبرداری «ری گارنر»[۹] و «تپه‌های شل»[۱۰] محصول شرکت تنسی ولی آتوریتی[۱۱] تولید شد. فیلم تپه‌های شل از اولین فیلم‌های باستان‌شناسی بود که موسیقی متن داشت. در سال ۱۹۳۸ آرتور باگز فیلم مستندی دربارهٔ سفالگر مشهور ماریا مارتینز با نام «ماریای سفالگر» ساخت. فیلمبرداری و شیوهٔ تدوین این فیلم بسیار ساده است اما جزییات روند ساخت سفال از ابتدا تا انتها با دقت ضبط شده است. این مستند، تصویری ارزشمند از یک سفالگر در حال کار به روش سنتی است. این دو اثر نقطهٔ عطفی در استفاده از امکانات

فیلم در باستان‌شناسی هستند. در این دهه فیلم‌های باستان‌شناسی دیگر پدیده‌ای نوظهور نبودند. این فیلم‌ها تبدیل به ابزار بسیار مؤثری برای انتقال اطلاعات به عموم مردم و باستان‌شناسان دیگر بوده و به عنوان یک رسانه، ظرفیت‌ها و مزایای خاص خود را پیدا کرده اند (Wight Beale, Healy, 1975).

تا دهۀ ۱۹٤۰، تولید فیلم‌های باستان‌شناسی همچنان ادامه داشت. یکی از قابل توجه‌ترین ویژگی‌های دورۀ دوم فیلمسازی باستان‌شناسی ـ که تا اوایل دهه ۱۹٦۰ به طول انجامید ـ نقش جنبی قابل توجه باستان‌شناسان بود. این ابتکار برای تولید فیلم‌های باستان‌شناسی به طور کامل به وسیله شرکت‌های بزرگ آموزشی مانند «فیلم‌های آموزشی کورنت» و«دایرۀ المعارف بریتانیکا»، و فیلمسازان حرفه‌ای علاقه‌مند به باستان‌شناسی دنبال شد. باستان‌شناسان به عنوان مشاور در نوشتن فیلمنامه‌ها همکاری کردند، اما به‌ندرت در فیلمبرداری و تدوین فیلم نقشی فعال بر عهده داشتند.

در سال ۱۹۵۵ مؤسسه باستان‌شناسی آمریکا با تشکیل کمیتۀ فیلم و تلویزیون اولین گام را برای به دست گرفتن ابتکار عمل و مسئولیت در ساخت فیلم‌های باستان‌شناسی تحت نظارت مستقیم باستان‌شناسان برداشت. اوایل دهۀ ۱۹٦۰ ساخت مستندهای دقیق در پروژه‌های حفاری خاص، موجب همکاری نزدیک باستان‌شناسان با تدوین‌گران و انیماتورهای فیلم شد و حتی تعدادی از باستان‌شناسان خودشان فیلم‌های خود را ساختند. یکی دیگر از پیشرفت‌های جدید دهۀ ۱۹٦۰، گسترش استفاده از فیلم‌های آموزشی ۱٦میلی‌متری بود. زیرا استفاده از وسایل کمک آموزشی سمعی و بصری به‌ویژه فیلم‌های آموزشی در قطع ۱٦ میلی‌متری در کلاس‌های درس دبیرستان و دانشگاه‌ها افزایش یافته بود. کاربردهای آموزشی همراه با ظهور تکنیک‌های حفاری جدید باعث احساس نیاز بیش‌تر به فیلم‌های باستان‌شناسی شد.

دهۀ ۱۹۷۰ نیز شاهد افزایش استفاده از فیلم‌هایی در زمینۀ فناوری ساخت ابزارهای باستانی، باستان‌شناسی قومی، باستان‌شناسی زیر آب، و تجزیه و تحلیل آزمایشگاهی بود. با گسترش ویدئو و پیش از آن رواج فیلم سوپر هشت از اوایل دهۀ ۱۹۷۰ به این سو، فیلم به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند ثبت داده‌ها در محوطه‌های باستان‌شناسی چه در زمین و چه در زیر آب مورد استفاده قرار گرفت (Wight Beale, Healy, 1975).

در سال‌های اخیر، اهمیت این مقوله موجب ایجاد رشتۀ دانشگاهی «باستان‌شناسی و رسانه‌های تصویری» در مقاطع تحصیلات تکمیلی در برخی دانشگاه‌های اروپا و آمریکا شد. این رشته مباحث نظری و عملی را برای رسیدن به درک بهتری از توسعۀ باستان‌شناسی در رسانه با هم ترکیب می‌کند.

۲. ٤. پیشینه سینمای مستند باستان‌شناسی در ایران:

برای مطالعه و بررسی دقیق تاریخچۀ فیلم‌های باستان‌شناسی ایران، باید آن را به چند دورۀ کلی تقسیم کرد، که هر دوره خود دارای ویژگی‌ها و جریان‌های گوناگون نیز هست.

- دورۀ نخست (۱۲۹۷ تا ۱۳۳۰): ساخت فیلم‌های باستان‌شناسی از دهۀ ۱۳۱۰ش/ ۱۹۳۱م در ایران آغاز می‌شود. از اولین فیلم‌های باستان‌شناسی ساخته‌شده در ایران، فیلم‌هایی از فعالیت‌های هیئت‌های باستان‌شناسی مؤسسۀ شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو به ریاست ارنست هرتسفلد (۱۳۱۲ش) و چندی بعد اریک اشمیت (۱۳۱٦ش) در تخت جمشید است (تصاویر ۱ و ۲).
- دورۀ دوم (۱۳۳۰ تا ۱۳٤۵): دوره‌ای که فیلم‌های مستند باستان‌شناسی توسط گروه سیراکیوز، وزارت

فرهنگ و هنر، و سازمان فیلم گلستان تولید شدند. فیلم‌های «از کنار کویر تا مهد شاهنشاهی هخامنشی» (۱۳۳۰) (قسمت چهارم مجموعه ۵ قسمتی گروه سیراکیوز)، «تخت جمشید» (۱۳۳۹) ساختهٔ فریدون رهنما، «کورش کبیر» (۱۳٤۰) اثر مصطفی فرزانه، «تپه‌های مارلیک» (۱۳٤۲) ساختهٔ ابراهیم گلستان، و «ستون شکسته» (۱۳٤۵) اثر هوشنگ شفتی از جملهٔ آثار ساخته‌شده در این دوره اند.

- دورهٔ سوم (۱۳٤۵ تا ۱۳۵۷): این دوره با آغاز فعالیت تلویزیون ملی ایران، تاسیس گروه ایران‌زمین و تولید فیلم‌های ایران‌شناسی و باستان‌شناسی زیر نظر فریدون رهنما و دکتر بهرام فره‌وشی همراه است (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۹۷). مهم‌ترین آثاری که در زمینهٔ باستان‌شناسی طی این دوره در تلویزیون ساخته شدند، عبارت اند از: «جام حسنلو» (۱۳٤٦) ساختهٔ محمدرضا اصلانی، «تخت سلیمان» (۱۳٤۷) ساختهٔ منوچهر عسگری‌نسب، «هفت‌تپه» (۱۳٤۸) و «معبد آناهیتا» (۱۳٤۹) ساخته ایرج حائری، «تپه‌های قیطریه» (۱۳٤۸) اثر پرویز کیمیاوی «گزارش حفاری معبد آناهیتا» (۱۳٤۹) به کارگردانی نصیب نصیبی (مهرابی، ۱۳۷۵). در این دوره مجموعه‌هایی نیز با همکاری گروه‌های خارجی در تلویزیون تولید شدند که از آن میان فیلم «چهار راه تمدن» با همکاری دانشگاه آکسفورد، **«باد صبا» به کارگردانی آلبرت لاموریس**، فیلم «تمدن ایران در موزه لوور» (۱۳۵٤) ساخته هوشنگ آزادی‌ور با حضور آندره مالرو، «مجموعه مستند ایران باستان» (۱۳۵۵) ساخته محمدعلی ایثاری با مشارکت دانشگاه میشیگان است (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۲٤).
- دورهٔ چهارم (۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰): در این دوره فیلم‌های مستند باستان‌شناسی به علت مسایل انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به حاشیه رفته و به جز مواردی معدود، آثار قابل ملاحظه‌ای تولید نشد. از چهره‌های تأثیرگذار در ساخت فیلم‌های باستان‌شناسی این دوره حمید سهیلی مظفر کارگردان «مجموعهٔ معماری ایرانی» است. سه قسمت از این مجموعه به شکل ویژه با دیدگاه باستان‌شناسی ساخته شده که عبارت اند از: «دوران ماد و هخامنشی»، «دوران سلوکی و اشکانی»، و «دوران ساسانی» (مهرابی، ۱۳۷۵ :۳٦٤). از دیگر آثار این دوره «یادگارهای سیستان» (۱۳٦۷–۱۳٦۸) ساختهٔ محمد تهامی‌نژاد است (همان، ٤۰۸).
- دورهٔ پنجم (۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰): فیلم‌های مستند باستان‌شناسی دههٔ ۱۳۷۰ تلویزیون، غالباً به صورت مجموعه‌های چند قسمتی و در طی چندین سال تولید شده اند، از جمله مجموعه‌های «مجموعه مستند میراث فرهنگی» (۱۳۷۵–۱۳۷۸) به کارگردانی ارد زند و محسن عبدالوهاب تولیدشده در گروه فرهنگ و دانش شبکهٔ یک سیما، «مجموعهٔ مستند نشانه‌های خاک» (۱۳۷۸–۱۳۸۲) به کارگردانی محمد مقدم تولیدشده در گروه فرهنگ و تاریخ و هنر شبکهٔ یک سیما. چند اثر مطرح دیگر دربارهٔ باستان‌شناسی و معماری این دوره عبارت اند از: «از بیشاپور تا پریشان» ساختهٔ فرشاد فرشته حکمت، «یاد و یادگار» از فرهاد ورهرام و مرتضی رزاق کریمی (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۰۰).
- دورهٔ ششم (۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰): نیمهٔ اول دههٔ ۱۳۸۰ را می‌توان دورهٔ بازشکوفایی سینمای مستند باستان‌شناسی ایران دانست. تغییرات عمده در نحوهٔ ساخت فیلم و ورود تجهیزات فیلمسازی دیجیتال به عرصهٔ سینما و تلویزیون و همچنین ظهور چند جریان، به گسترش و پیشرفت فیلم‌های باستان‌شناسی ایران کمک شایانی کرد. جریان‌هایی که در این دوره تأثیر بسزایی در این

پیشرفت داشتند عبارت اند از: تلویزیون و گروه مستندسازی شبکهٔ چهار سیما، بخش خصوصی و مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی. از جملهٔ آثار و مجموعه‌های مستند باستان‌شناسی در شبکهٔ چهار سیما می‌توان به مجموعهٔ مستند «زمین پناه من است» و مجموعهٔ «نفس‌های بلند زمین» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی و کارگردانی علی‌اکبر ولدبیگی، مجموعهٔ مستند «گنج‌های پنهان» به تهیه‌کنندگی ارد عطارپور اشاره کرد. «شگفتی‌های تخت‌جمشید» (۱۳۸۱–۱۳۹۰)، به کارگردانی و تهیه‌کنندگی هرمز امامی، «شکوه تخت جمشید» (۱۳۸۳) ساختهٔ فرزین رضائیان، «مجموعهٔ آثار میراث فرهنگی» (۱۳۸۳) به کارگردانی مهرداد زاهدیان نیز از جمله تولیدات بخش خصوصی در این زمینه هستند. از میان تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در این زمینه فیلم‌های «نانا» (۱۳۸۰) به کارگردانی سودابه مجاوری، «کول فره» (۱۳۸۹) ساختهٔ مهوش شیخ‌الاسلامی قابل ذکر هستند. در سال‌های آغازین دههٔ ۱۳۸۰ برگزاری جشنواره‌هایی مانند جشنوارهٔ فیلم یادگار (سه دوره)، جشنوارهٔ فیلم رشد و جشنوارهٔ فیلم ایران‌زمین، با ایجاد فضایی مناسب در مستندسازی، مستندسازان ایرانی را به ساخت فیلم دربارهٔ میراث فرهنگی، باستان‌شناسی، و آیین‌ها و سنن ملی و بومی ترغیب کردند.

۳. بررسی فیلم‌های مستند ایران‌شناسی باستان‌شناختی

با نگاهی به تاریخچه فیلم‌های مستند باستان‌شناسی مشخص می‌شود که تا امروز تعداد زیادی از این گونه فیلم تولید شده و برای تحقیق در این زمینه می‌باید اقدام به نمونه‌گیری از این حجم انبوه کرد. در این پژوهش با توجه به تعریف فیلم مستند ایران‌شناسی باستان‌شناختی و با قبول این سخن از دکتر صادق ملک شهمیرزادی که تخت‌جمشید دروازهٔ مطالعات باستان‌شناسی ایران است (ملک شهمیرزادی،۱۳۸۱، ۲۶) هشت فیلم مستند ایران‌شناسی باستان‌شناختی ساخته‌شده دربارهٔ مطالعات باستان‌شناسی هخامنشیان برای بررسی و مقایسه انتخاب شدند. فیلم‌های انتخابی بر اساس توالی تاریخی از ابتدای تاریخ سینمای مستند تا دوران معاصر (۱۳۹۰ش) انتخاب شده اند و سعی شده است از هر دهه یک فیلم بررسی شود. این فیلم‌ها عبارت اند از: «تخت‌جمشید» (۱۳۳۹) ساختهٔ فریدون رهنما، «ستون شکسته» (۱۳٤٥) ساختهٔ هوشنگ شفتی، «معماری ایرانی: ماد و هخامنشی» (۱۳٦۲) ساختهٔ حمید سهیلی، «خوزستان» (۱۳۷۵) ساختهٔ ارد زند، «گیسوی پریشان سنگ» (۱۳۷۹–۱۳۸۱) ساختهٔ علی‌اکبر ولدبیگی، «منم داریوش» (۱۳۸٤) ساختهٔ وحید باقرزاده، «شکوه تخت جمشید» (۱۳۸۳) ساختهٔ فرزین رضائیان، «شگفتی‌های تخت‌جمشید» (۱۳۸۱–۱۳۹۰) ساختهٔ هرمز امامی.

متاسفانه فیلم مستند باستان‌شناسی دربارهٔ دوره هخامنشیان ساخته‌شده در قبل از سال ۱۳۳۹ش، همچنین فیلمی متعلق به سال‌های دههٔ ۱۳۵۰ش به علت موجود نبودن فیلم‌ها در آرشیوهای مراجعه‌شده، به دست نیامد. هر یک از این فیلم‌ها در دورهٔ خود و در برخی موارد در کل تاریخ سینمای مستند ایران از لحاظ کیفیت ساخت، شیوهٔ مستندسازی، و پشتوانهٔ تحقیقی دارای امتیازات شایان توجهی هستند و جوایز و افتخاراتی در جشنواره‌های داخلی و خارجی به دست آورده اند که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

۳. ۱. فیلم مستند «تخت جمشید» (۱۳۳۹) ساختهٔ فریدون رهنما

محصول: مؤسسه جام جم رهنما/ فیلمبردار: اسد بهروزان/ گوینده: ژنین فوکس/ قطع: ۱٦ میلی‌متری، سیاه و سفید/

زمان: ۱۶:۳۰ دقیقه/ زبان: فرانسوی.

فیلم «تخت‌جمشید» (۱۳۳۹)، متعلق به دورهٔ دوم سینمای مستند باستان‌شناسی ایران است. این فیلم حاصل برخورد غیر متعارف کارگردان با واقعیت تخت جمشید، اندیشه‌های وی درباره زندگی، هنر، و تاریخ است، بی آنکه خواسته باشد فیلمی تاریخی بسازد (دهقانپور، ۱۳۸۲: ۳۸۶و۳۸۸). رهنما در بازگشت از فرانسه به ایران با نگاهی باستان‌گرایانه و حسی نوستالژیک به گذشتهٔ پرشکوه ایران، به سراغ تخت‌جمشید می‌رود و با استفاده از نقش‌ها و حجاری‌های آن و به کمک تدوینی خلاق، ساخته شدن کاخ‌های آن و بعد ویرانی آنها را روایت می‌کند. در واقع رهنما نگرشی غیر گزارشی و تفسیری به میراث فرهنگی ایران دارد. «تخت‌جمشید» از قدیم‌ترین نمونه‌های مستند تجربی ـ توصیفی در ایران است (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۵۳). در «تخت جمشید»، رهنما به بهانهٔ نمایش ویرانه‌های این بنای تاریخی، از جاری بودن فرهنگ و تمدنی ماندگار در طی تاریخ سخن می‌گوید که به واسطهٔ ارزش‌هایی درونی، قادر است خود را به رغم وقوع جنگ‌های ویرانگر همچنان حفظ کنند. رهنما روایت فیلم‌اش را از بدو ورود مادها به ایران و شروع عملیات ساختمانی تخت‌جمشید آغاز می‌کند. بخشی از گفتار متن فیلم چنین است: «آورده اند که هزاران سال پیش، از سوی شمال، مردمانی به اینجا آمده اند که جوان و دلاور و جنگجو بودند. آورده اند که پس از پیکارها و رخنه‌های پی در پی بر کسانی که اینجا می‌زیستند و سست و فرسوده و کم‌باور شده بودند، چیره شدند و در این سرزمین جای گرفتند. آورده اند که فرمانروای‌شان در پی ساختن کاخ، چون به تپه‌ای که چشم‌اندازش مرودشت بود رسید، گفت: اینجا. و ساختن آغاز شد و باغی شد».

رهنما با استفاده از تصاویر سرستون‌ها و پایه‌ستون‌ها و با کمک مونتاژ، مراحل مختلف برپایی تخت‌جمشید را به نمایش می‌گذارد. وی با لحنی شاعرانه در بیان تداوم حیات در تخت جمشید، از پس بارشی کوتاه بر سنگ‌ها و سرستون‌ها، پرنده‌ای را نشان می‌دهد که از آب باران جمع شده در یکی از چاله‌های تخت جمشید آب می‌نوشد. رهنما در بیان انگیزه و تلقی‌اش از مضمون تخت‌جمشید می‌گوید: «اگر به تخت جمشید توجه کردم یکی به این دلیل بود که محیط تخت جمشید و ویرانه‌های آن فرصتی به من می‌داد تا اندیشه‌هایی را که دربارهٔ زندگی و هنر داشتم، بیان کنم. در تخت جمشید مسائلی برایم مطرح می‌شد که همیشه مرا جلب کرده است. ویرانه‌ای است که هزاران سال پیش ساخته بودند. ما از یک واقعیت عینی به همه‌گونه تصور و تخیل کشیده می‌شویم. همین است که دوربین از چشم یک بینندهٔ عادی این ویرانه‌ها به یاری راهنمایان که در آنجا هستند می‌بیند؛ یا آن است که نتیجهٔ ساخت و پرداخت سندهای موجود و به عبارت دیگر ساخت و پرداخت‌های سینمایی است؟ و همهٔ اینها با ما چه پیوندی دارد؟ و آیا این مسائل که هر جا ویران شده، نیست شده و از امروزمان دور شده است، از نو مطرح نخواهد شد؟ امّا در عین حال زندگی با این پرسش باز نمی‌ایستد و اگر یادتان باشد گیاه‌هایی که دیده می‌شود و تماشاگرانی که می‌آمدند تا دریابند و بارانی که می‌آمد و همه چیز را می‌شست و پرنده‌ای که جست‌وخیز می‌کرد؛ همهٔ اینها نشانه‌های نوعی ادامهٔ پدیده‌های زندگی است» (امامی، ۱۳۸۹: ۲۴۲).

رهنما در فیلم تخت جمشید، می‌کوشد اطلاعاتی کالبدی نیز به بیننده منتقل کند، برای مثال به حضور راهنمای حاضر در تخت جمشید اشاره می‌کند و اطلاعاتی دربارهٔ آب‌راهه‌ها، آب‌انبار تراشیده‌شده از سنگ و ساختار فیزیکی آن، ساختار فیزیکی و ابعاد هر کاخ، پلکان‌ها، امضاهای نقش‌شده بر سنگ‌های تخت‌جمشید شامل امضای میرزادهٔ عشقی و سیاحان اروپایی در سال‌های ۱۸۷۰م، ۱۸۹۰م، و

۱۹۰۰م و تصاویری از کاوش را نیز ارائه می‌کند.

با توجه به طبقه‌بندی زیرگونه‌های فیلم مستند باستان‌شناسی، این فیلم در دسته فیلم‌های مستند باستان‌شناسی تجریدی ـ شکل‌گرایانه قرار می‌گیرد که زیبایی‌های یک محوطهٔ باستان‌شناسی را به نمایش می‌گذارد. رهنما در «تخت جمشید» با استفاده از یک رویکرد سینمایی که بیش‌تر احساسی بوده تا آموزشی، برای معرفی تمدن هخامنشیان در قالب فیلم تلاش کرده و هدف اصلی وی برانگیختن حس تحسین و توجه عمومی نسبت به این تمدن کهن ایران بوده است. این فیلم فاقد پژوهش بوده و از دیدگاه باستان‌شناسی، به جز ارزش‌های ثبت تصویری بنا، ارزش دیگری ندارد و خالی از نکات پژوهشی یا آموزشی است (تصاویر ۳ و ٤).

۳. ۲. فیلم مستند «ستون شکسته» (۱۳٤٥) ساختهٔ هوشنگ شفتی

محصول: مرکز سینمایی ادارهٔ کل هنرهای زیبای کشور/ نویسنده و کارگردان: هوشنگ شفتی و محمد میرصمدزاده/ فیلمبردار: شاهرخ گلستان و فریدون قوانلو/ صدا: قاسم آغاسی/ تدوین: محمدمهدی حیدری/ قطع: ۳۵ میلی‌متری، رنگی/ زمان: ۱۸ دقیقه/ زبان: فارسی.

هوشنگ شفتی متولد ۱۳۱۲، از نخستین دانش‌آموختگان ایرانی دانشگاه سیراکیوز (۱۳۲۸–۱۳۳۵ش) است که تحصیلات سینمایی‌اش را در دانشگاه ایندیانای آمریکا ادامه داد (امامی، ۱۳۸۵: ٤٥). وی در بازگشت از آمریکا در مرکز سینمایی ادارهٔ کل هنرهای زیبای کشور به ساختن فیلم پرداخت. مستندهای شفتی جدا از جوایز مختلف همچون خرس نقره‌ای برلین، سالرمو ایتالیا، فرانکفورت، کارلوویواری، تصویری زنده از دوران مختلف سرزمین ایران به‌خصوص دهه‌های ۱۳٤۰ و ۱۳۵۰ به بیننده ارائه می‌دهد. توجه شفتی به هویت و تاریخ، علی‌رغم نگاه توریستی، او را به یکی از فیلمسازان تأثیرگذار عرصهٔ مستند ایران تبدیل کرده است.

نخستین فیلم‌های مرکز سینمایی ادارهٔ کل هنرهای زیبای کشور با دو فیلم «قالی» و «تخت جمشید» (۱۳۳۸) به کارگردانی محمد میرصمدزاده ساخته شد، اما به پایان نرسید. در سال ۱۳٤۵ فیلم تخت جمشید را هوشنگ شفتی به اتمام رساند و با نام «ستون شکسته» به نمایش گذاشت (دهقانپور، ۱۳۸۲: ۳۸۳). «ستون شکسته» از سطح مستندی تاریخی فراتر می‌رود و با چشم‌داشت به حوزه‌های بیان سینمایی و قواعد زیبایی‌شناختی، می‌کوشد همچون «تخت جمشید» (۱۳۳۹) ساختهٔ فریدون رهنما، از تداوم زندگی قومی بگوید که زمانی بر جهان حکومت می‌کردند و حال از آن سیادت جز ستون‌ها و سرستون‌هایی چند، چیزی باقی نمانده است. «ستون شکسته» از بسیاری جهات به «تخت جمشید» رهنما شباهت دارد. آغاز، میان، و پایان دو فیلم کاملاً بر یکدیگر منطبق است. هر دو فیلم، نگاه حسرت‌بار سازندگان‌شان را به گذشته پرشکوه ایران تصویر کرده اند. هر دو بر جنگ و ویرانگری دشمن مهاجم تأکید می‌کنند، گو اینکه در برخی موارد مانند تدوین صحنهٔ جنگ، فیلمبرداری و کیفیات تکنیکی «ستون شکسته» یک گام جلوتر از «تخت‌جمشید» می‌ایستد (امامی، ۱۳۸۹: ۲۵۷). گفتار این فیلم بر اساس کتیبه‌های هخامنشی تهیه شده است و در طول فیلم پادشاهان سلسلهٔ هخامنشی از آغاز تا حمله اسکندر، بر اساس کتیبه‌های مربوط به هر پادشاه معرفی می‌شوند.

فیلم با تصویر دستی سنگی آغاز می‌شود که زیر پرتوی از نوری سرخ به حرکت درمی‌آید. سپس شمشیری را می‌بینیم که او نیز چون دست، حرکتی مشابه را آغاز می‌کند؛ چنان که به حرکت درآمده تا نبردی را آغاز کند. حرکت نیزه‌های کوچک و تیرهای سنگی از وقوع جنگی تمام عیار حکایت می‌کند که با سلطهٔ اقوام تازه‌وارد و

استقرار حکومت مادها پایان می‌یابد. آغاز دوران سازندگی مقارن است با بنای تخت جمشید. در این فصل تصاویر مختلفی از پلکان، ستون‌ها و سرستون‌ها، و برخی تندیس‌های مربوط به دوران هخامنشی در موزهٔ ایران باستان برای پوشش تصویری گفتار استفاده می‌شود: «داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، پسر ویشتاسب هخامنشی. گوید داریوش شاه، این است شهریاری‌ای که من دارم، از سکاهای آن سوی سغد تا حبش، و از هند تا سارد که مرا اورمزد داد. داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین‌ها، پسر ویشتاسب هخامنشی، که این تچر را بنا کرد. گوید شاه، خشایارشا، به خواست اورمزد این دهلیزِ همهٔ کشوران را من ساختم».

سپس مجموعه تصاویری می‌بینیم که با استفاده از نقوش سنگی تخت جمشید، در تدوینی مقطع و با ضرب‌آهنگی نسبتاً تند، سربازان هخامنشی را در حین عبور و در جهت‌های مختلف نشان می‌دهد. صدای موزون گام‌های آنها حسّی از قدرت را در تصاویر تشدید می‌کند. رعد و برقی زده می‌شود که شروع جنگ است. ضرب‌آهنگ صحنه افزایش می‌یابد و تصاویر تند و تندتر به هم برش می‌شوند؛ تصاویری برگرفته از نقوش تخت جمشید که وقوع نبرد و درگیری را به خوبی نشان می‌دهند و سرهایی که بر خاک افتاده، و شمشیرهایی که از چپ و راست در گردش اند. گردش چرخ ارابه‌ها و بارش تیر، سقوط ستون‌های بلند، نظارت فرماندهان، پرتو سرخِ این صحنه‌ها علاوه بر دلالت بر مفهوم قتل و خون‌ریزی، در تقویت ریتم نیز کاربرد یافته است. موقعیت صحنهٔ بعد که تخت جمشید را در شب به نمایش می‌گذارد، بر شکست ایرانیان دلالت دارد. صبح روز بعد، تخت‌جمشید ویران، و فرماندهان دربند که فقط اذن دعا می‌یابند: «اورمزد بپایاد این سرزمین‌ها را از سپاه دشمن، از خشکسالی، از دروغ».

و بعد ستون‌ها و سرستون‌ها زیر آسمانی با ابرهای تیره و در ادامه غروب تخت جمشید که رعد و برقی دیگر، حیات پنهان آن را در قالب فرار خزنده‌ای نشان می‌دهد. باران می‌بارد و خیلی زود تالاب کوچکی ایجاد می‌شود، تالابی کوچک که آینه‌ای می‌شود تا ستون‌های ویران را در خود قاب کند؛ چنان که گویی آن شوکت و مجد و عظمت به رویایی دست‌نیافتنی تبدیل شده است. صدای وزش شدید باد، حزن خاصی به صحنه داده است، به‌ویژه آنجا که آب باران بر چهرهٔ سنگی سربازان هخامنشی جاری می‌شود و آن را خیس می‌کند. نوای محزون آواز پری زنگنه که لالایی مشهور خود را می‌خواند، کنایه‌ای است از به خواب رفتن تمدنی که می‌توانست در صورت پاییدن قدرت، امروز وضع متفاوتی را برای ما رقم زند (امامی، ۱۳۸۹: ۲۶۰). فیلم خلاف دیگر آثار شفتی که رویکردی صرفاً تبلیغاتی دارند و به رغم برخورداری از جوهری تبلیغی ـ سیاسی، از آنجا که از ساخت و بافتی روان و غیر تصنعی برخوردار است، قابل قبول است. در این فیلم ظهور و سقوط هخامنشیان و انهدام تخت جمشید توسط اسکندر از طریق جلوه‌های ویژهٔ بصری مجسم می‌شود. «ستون شکسته» برندهٔ پلاک نقرهٔ فستیوال فیلم‌های مستند سالرنو ایتالیا (۱۳۴۵ش)، دیپلم افتخار فستیوال فرانکفورت آلمان غربی (۱۳۴۵ش) و دیپلم افتخار فستیوال فیلم برلین می‌شود (مهرابی، ۱۳۷۵: ۲۳۳). چنان‌چه بخواهیم با محک وجه علمی باستان‌شناسی یا تاریخی پژوهش فیلم را ارزیابی کنیم، «ستون شکسته» چندان درخور نیست؛ از مستندات باستان‌شناسی و تاریخی نیز در آن نشانی نمی‌بینیم، چرا که نگاه شفتی به تخت جمشید نگاهی احساسی و عاطفی است نه علمی و تاریخی. نگاه حسرت‌باری است که مجد و شوکت گذشته را مرور می‌کند. لیکن از آنجا که موضوعی تاریخی را دستمایهٔ خویش قرار داده، تاریخی تلقی می‌شود. «ستون شکسته» نمونهٔ ویژه‌ای است که وجه تاریخی ـ تحلیلی آن، به سود

وجهی حسی- عاطفی به حاشیه رانده شده است (امامی، ۱۳۸۹: ۲۶۰). با توجه به طبقه‌بندی زیرگونه‌های فیلم مستند باستان‌شناسی، این فیلم مستند در دستهٔ فیلم‌های مستند باستان‌شناسی تجریدی ـ شکل‌گرایانه قرار داد. که زیبایی‌های هنری یک محوطهٔ باستان‌شناسی را به نمایش می‌گذارد و تخت‌جمشید را به کمک تأثیرات زیبایی‌شناسی بصری و تدوینی فیلم، به تصویر می‌کشد. شفتی در «ستون شکسته» همچون رهنما در «تخت‌جمشید» با استفاده از یک رویکرد سینمایی که بیش‌تر احساسی بوده است تا علمی و آموزشی، برای گسترش و معرفی تمدن هخامنشیان در قالب زبان فیلم تلاش کرده است (تصویر ۵).

۳. ۳. فیلم مستند «معماری ایرانی؛ ماد و هخامنشی» (۱۳۶۲-۱۳۷۱) ساختهٔ حمید سهیلی مظفر

محصول: شبکهٔ یک سیما، گروه فرهنگ و ادب و هنر/ کارگردان و تهیه‌کننده: حمید سهیلی مظفر/ مجری طرح و نظارت کیفی: احمد روستا/ نظارت فنی: محمد مهریار/ مشاوران: استاد محمدکریم پیرنیا، دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، علی‌اکبر سرافراز، دکتر یعقوب دانشدوست، دکتر صادق ملک شهمیرزادی، دکتر سیف‌الله کامبخش، آیدین آغداشلو، دکتر یوسف کیانی، دکتر مهرداد بهار، استاد کریم امامی، مهندس محمد مهریار، مهندس احمد روستا/ مدیر پژوهش: حمید سهیلی مظفر/ منابع و ماخذ: شفاهی (۲۶ جلسه گفتگو با استاد محمدکریم پیرنیا و دیگر اساتید معماری) و منابع مکتوب/ نویسندگان: آیدین آغداشلو، حمید سهیلی، علی گودرزی، حسین ملکی، عطاالله کوپال، نسرین رحیمی، مهندس اسکندر مختاری، مهندس محمد مهریار/ مدیر فیلمبرداری: فریدون مطبوع صالح/ گوینده: اسماعیل میرفخرایی/ قطع: ۱۶ میلی‌متری، رنگی/ زمان: ۵۰:۲۴ دقیقه/ زبان: فارسی.

حمید سهیلی از مستندسازان پی‌گیر و پرکار سینمای ایران است که با جدیتی هرچه تمام‌تر، هم و غم خود را معطوف ساخت فیلم‌های علمی و آموزشی در بارهٔ وجوه مختلف فرهنگ ایران زمین کرده است. او مجموعه‌های مستند متعددی دربارهٔ کارگاه‌های صنایع دستی، تاریخچهٔ خط ایرانی، نقاشی قدیم ایرانی، معماری ایرانی، و بافت قدیم شهرهای ایران ساخته است. او در هر یک از آثار خود بر پایهٔ پژوهشی ژرف‌نگر موضوع را بررسی می‌کند. سهیلی با این اعتقاد که فیلم‌های مستند ما وظیفه دارند به گذشته تاریخی بپردازد، مجموعهٔ ۳۳ قسمتی «معماری ایرانی» را در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۱ش ساخت (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۵۱). مجموعهٔ مستند «معماری ایرانی» نگاهی است به تاریخ معماری این سرزمین، از گذشته‌های دور تا دوران معاصر. این مجموعه آثار و بناهایی را که هر یک چون سندی گرانبها، بخش مهمی از هویت معنوی و موجودیت فرهنگی ساکنان گذشته این سرزمین را در خود به یادگار حفظ کرده اند، مرور می‌کند (تصویر ۶).

در تهیهٔ این مجموعه سعی بر آن بوده تا با ارائه نمونه‌ها و بناهای گوناگون و پرداختن به ویژگی‌های هر اثر، گوشه‌هایی از تحولات معماری ایران در برهه‌ای طولانی بررسی شود و از طریق آن شناخت بیش‌تری از ذوق هنری و معرفت مردمان گذشته این سرزمین فراهم آید. این مجموعه مستند در قالب ۳۳ برنامه و در چهار گروه مجزا از هم تهیه شده که هر گروه به شرح پاره ای از ویژگی‌ها، نکات فنی، شیوه‌ها و مکاتب معماری ایرانی می‌پردازد (مهرابی، ۱۳۷۵: ۳۶۳). چهار قسمت از این مجموعه با دیدگاه باستان‌شناسی ساخته شده است. این ۴ قسمت عبارت اند از: «دوران ماد و هخامنشی»، «دوران سلوکی و اشکانی»، «دوران ساسانی» و «مرمت آثار تاریخی» (مهرابی، ۱۳۷۵: ۳۶۴).

در این فیلم‌ها پژوهش به صورتی کاملاً علمی اما خشک پیش می‌رود. تدوین کاملاً روایی است و گزینش زوایا،

محل استقرار دوربین و سایر ویژگی‌های دکوپاژی فیلم، همه در خدمت بیان دقیق‌تر و روشن‌تر ابعاد، تناسب‌ها و جزییات معماری است و فیلم‌ها فاقد ظرافت سینمایی است. مجموعهٔ مستند معماری ایرانی در چند جشواره حضور داشته و جوایزی نیز به دست آورده است. معماری ایرانی آغازگر راه جدیدی در تولید مستندهای باستان‌شناسی است و در دهه‌های بعدی اکثر فیلم‌های باستان‌شناسی تلویزیون در قالب مجموعه تولید شده اند.

این فیلم مستند در دستهٔ فیلم‌های مستند باستان‌شناسی که دربارهٔ دیگر شاخه‌های باستان‌شناسی مانند: مرمت آثار تاریخی و تاریخ هنر ساخته می‌شوند، یا فیلم‌های تلفیقی باستان‌شناسی جای می‌گیرد. در فیلم‌هایی از این دست که از یک سو باید آنها را به واسطهٔ کاری علمی که صورت می‌دهند، مستند علمی و از دیگر سو به واسطهٔ قوتِ نگرشی پژوهشی (به مدد حضور اساتید فن معماری و باستان‌شناسی)، مستندهایی پژوهشی تلقی کرد. همواره حجم بالای اطلاعات و ضرورت تحلیل یافته‌ها، مجالی برای پرداختن به ظرایف حسی باقی نمی‌گذارد، لذا خشکی بیش از حد اطلاعات این فیلم‌ها، مخاطبان پیگیر را کاهش می‌دهد و آن را به دانشجویان و پژوهشگران رشتهٔ معماری و باستان‌شناسی محدود می‌کند.

۳ . ٤. فیلم مستند «خوزستان» (۱۳۷۸) ساختهٔ ارد زند

محصول: شبکهٔ یک سیما، گروه فرهنگ و دانش/ محقق، نویسندهٔ متن و کارگردان: ارد زند/ مشاوران: دکتر مهدی رهبر، دکتر صادق ملک شهمیرزادی، دکتر جلال‌الدین رفیع فر/ تهیه‌کننده: کامبیز مقیم خاوری/ موسیقی: فریدون شهبازیان/ فیلمبردار: سیامک پورافشار/ صدابردار: اصغر رسول‌نیا/ گوینده: امیرهوشنگ زند/ فیلمبردار انیمیشن: نازنین رابط/ قطع: ١٦ میلی‌متری، رنگی/ زمان: ٤٤ دقیقه/ زبان: فارسی.

ارد زند فارغ‌التحصیل رشتهٔ سینما از مدرسه بین‌المللی فیلم لندن و انستیتو هنری سانفرانسیسکو و عضو انجمن مستندسازان ایران است. او از سال ۱۳۵۷ش کارگردان فیلم‌های مستند در شبکهٔ یک سیما بوده است که حاصل این همکاری (حدود) چهل فیلم مستند است. فیلم «خوزستان» به عنوان بهترین فیلم مستند دورهٔ اول جشنواره فیلم یادگار در سال ۱۳۸۱ش شناخته شده است.

در فاصله سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸ رضا فولادی و کامبیز مقیم خاوری تهیه‌کنندگان تلویزیون و ارد زند و محسن عبدالوهاب در مقام کارگردان، یازده فیلم ١٦ میلی‌متری دربارهٔ میراث فرهنگی ساختند (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۹۹). از این یازده فیلم تعداد هشت فیلم به کارگردانی ارد زند و سه اثر به کارگردانی محسن عبدالوهاب ساخته شدند. برخی از این فیلم‌ها عبارت بودند از: «کاوش‌های باستانی در زیویه و کنگاور» (۱۳۷۳)، «همدان» (۱۳۷۳)، «خوزستان» (۱۳۷۸)، «گنجینه» و «قشم»، و... ساخته‌های ارد زند و «لاخ مزار» (۱۳۷۳) ساختهٔ محسن عبدالوهاب. به گفتهٔ ارد زند، وی تحت تأثیر منوچهر طیاب و فیلم‌هایش همچون مسجد جامع اصفهان بوده و فیلم خوزستان را با رویکردی به فیلم‌های منوچهر طیاب ساخته است (مصاحبه نگارنده با ارد زند، ١٣٩٠/٧/١٤).

کارگردان در این فیلم کوشیده است با فیلمبرداری و روایت داستانی از گذشته تا به امروز، باری دراماتیکی نیز در فیلم ایجاد کند. در این فیلم به منطقهٔ خوزستان پرداخته شده است. در ابتدا آثار تاریخی این منطقه شامل آثار اولیهٔ شهرنشینی، گوردخمه‌ها، روستای توک توکو و آثار و ابنیه به‌جامانده از تمدن عیلام همچون زیگورات چغازنبیل، هفت‌تپه، لوح حمورابی، تندیس‌های کشف‌شده، و جام زندگی نشان داده می‌شوند و علل انقراض عیلامیان نیز مطرح می‌شود. در این بخش و برای توضیح و تشریح

نقوش جام زندگی، از انیمیشن دو بعدی استفاده شده است. در ادامه به آثار هخامنشیان در خوزستان پرداخته می‌شود و آثار بازمانده از کاخ آپادانای شوش، آجرهای لعابدار، برخی کتیبه‌های بازمانده از آن دوره، مجسمه داریوش، و... به نمایش درمی‌آیند. در این بخش قسمت‌هایی از کتیبهٔ داریوش بر تصاویر آثار هخامنشیان خوانده می‌شود. در انتها نیز مطالعات و فعالیت‌های باستان‌شناسان فرانسوی در شوش، مقبرهٔ دانیال نبی مورد بررسی قرار گرفته و صحنه‌هایی از قلعهٔ شوش و مقبرهٔ دانیال نبی به نمایش درمی‌آیند و فیلم با شعر «شوش را دیدم...» سرودهٔ مهدی اخوان ثالث پایان می‌یابد. نکاتی که در قسمت هخامنشیان فیلم بیان شده، عبارت اند از:

گفتار فیلم: « کورش و داریوش با اعطای آزادی مذهب و عقیده، تمدن ملل مغلوب را حمایت کردند و از این‌رو امتیاز هنر هخامنشی در قیاس با سایر ملل آن روزگار، هماهنگ ساختن روح هنری آن‌ها با یکدیگر است.» و در ادامه، سنگنبشته داریوش، یافت شده از پی کاخ آپادانا چنین خوانده می‌شود:

گفتار متن: «داریوش گوید، این کاخی است که من در شوش بنا کردم، تزیینات آن را از راه دور آوردم، قالب‌گیری آجر، کار بابلیان بود، چوب سدر از کوه‌های لبنان توسط آشوریان تا بابل آورده شد و از بابل تا شوش کاریان و ایونیان آن را حمل کردند. طلایی که در اینجا به کار رفته از سارد و بلخ آورده شده است. سنگ لاجورد و عقیق را از خوارزم آوردند و نقره و مس را از مصر؛ عاجی که به کار رفته از حبشه و هند و رخج حمل گشته است، ستون‌های سنگی که اینجا کار گذاشته شده را از عیلام آوردند. هنرمندانی که سنگ را تراشیده اند ایونیان و ساردیان بوده اند. زرگران که طلا را کار کرده اند مادی و مصری بوده اند، آجرهای مینایی کار بابلیان بوده است». در بخش دیگری از فیلم به آغاز مطالعات هخامنشیان و حفریات در شوش پرداخته شده و بخشی از خاطرات مادام دیولافوا حاکی از خرد کردن سرستون هخامنشی با پتک ذکر می‌شود. تمام این مسائل گواه پشتوانه پژوهشی فیلم و رجوع به منابع تحقیقاتی در مورد هخامنشیان همچون *خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش ۱۸۸٦ـ۱۸۸٤م*، نوشتهٔ ژان پل راشل دیولافوا، ترجمهٔ ایرج فره‌وشی، *فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی* که به زبان آریایی (پارسی باستان) نوشته شده، نوشتهٔ رلف نارمن شارپ و *ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی*، نوشتهٔ صادق ملک شهمیرزادی است. در این فیلم با اینکه قسمت کوتاهی به آثار هخامنشیان اختصاص یافته، ولی به مدد نظرات مشاوران متخصص باستان‌شناسی مانند دکتر مهدی رهبر، دکتر صادق ملک شهمیرزادی، دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر و همچنین دقت نظر و علاقه کارگردان، رجوع به منابع معتبر تحقیقاتی و پژوهش کافی و همچنین زبان سادهٔ فیلم، مطالب تاریخی و باستان‌شناسی به شکل مستدل و در سطح فهم عام به خوبی بیان شده است. با توجه به طبقه‌بندی زیرگونه‌های فیلم مستند باستان‌شناسی این فیلم در دستهٔ مستندهای پژوهشی قرار دارد. این فیلم به سبب ساخته شدن در تلویزیون (ارائه برای مخاطب عام) در عین پژوهشی بودن، سعی دارد با افزودن بار دراماتیکی، ارتباط خود را نیز با طیف‌های مختلف مخاطبان حفظ کند (تصاویر ۷ و ۸).

۳. ۵. فیلم مستند «گیسوی پریشان سنگ» (۱۳۸۰) ساختهٔ علی‌اکبر ولدبیگی

محصول: گروه مستند شبکهٔ چهار سیما/ تصویربردار و تهیه‌کننده: علی‌اکبر ولدبیگی/ موسیقی: آزاد حکیم رابط/ گوینده: شهرام درخشان/ بازنویسی متن: دکتر خسرو حکیم رابط/ پژوهش: علی‌اکبر ولدبیگی/ تدوین: وحید باقرزاده/ مشاوران: دکتر احسان یغمایی، دکتر میرعابدین کابلی، دکتر

رضا پورحسین، دکتر مسعود آذرنوش/ زمان: ۳۵ دقیقه/ زبان: فارسی.

فیلم «گیسوی پریشان سنگ» یک قسمت از مجموعهٔ سیزده قسمتی «زمین پناه من است» (۱۳۷۹–۱۳۸۱) است. در این مجموعه، قسمت‌هایی به تمدن نجد ایران در دوره‌ی باستان می‌پردازد. «سه قسمت» از این مجموعه به «تمدن استخر» پرداخته است. این تمدن، تحت عنوان «تمدن حاشیه‌ای رود پلوار» در کنار دیگر بخش‌های حاشیه‌ای رود ـ که قسمت‌های زیادی از سرزمین فارس را حیات می‌بخشد ـ نزدیک به ۲۵۰۰ سال (از دورهٔ عیلامیان به بعد) در تکامل اندیشه، تاریخ، و هنر ایران نقشی بنیادین داشته است. قسمتی از این مجموعه با عنوان «گیسوی پریشان سنگ» به پاسارگاد می‌پردازد. قسمت‌های دیگر، دربارهٔ *«کاخ سروستان»* در واپسین سال‌های حکومت ساسانیان و «طاق بستان» در کرمانشاه است. در قسمت مربوط به طاق بستان با نام «نقش واپسین»، بر دو صحنهٔ «شکار گوزن و گراز» تمرکز شده است.

به گفتهٔ علی‌اکبر ولدبیگی کارگردان و تهیه‌کنندهٔ این مجموعه، حدود دو سال و نیم زمان صرف ساخت «زمین پناه من است» شده و پژوهش آن نیز حدود ۷ ماه به طور متمرکز طول کشیده است و حین مراحل مختلف ساخت، در طول تصویربرداری و تدوین و حتی نوشتن متن برنامه، ادامه داشته است (مصاحبه نگارنده با علی اکبر ولدبیگی، ۱۳۹۰).

همان‌طور که گفته شد فیلم «گیسوی پریشان سنگ» به پاسارگاد و آثار تاریخی آن اعم از کاخ بار عام، کتیبهٔ کاخ بار عام، مقبرهٔ کورش، نقش‌برجستهٔ منسوب به کوروش، مقبرهٔ منسوب به کمبوجیه، استحکامات دفاعی تل تخت (زندان تخت‌سلیمان) و آب‌راهه‌ها می‌پردازد. همچنین در این فیلم شیوه و مبانی نظری مرمت بنا، شرایط فعلی و مسائلی که امروزه محوطهٔ تاریخی پاسارگاد با آن مواجه است بیان شده است.

در این فیلم فرضیات موجود دربارهٔ آثار پاسارگاد که به طور قطع اثبات نگردیده اند، در قالب سؤالاتی در دل گفتار متن گنجانده شده اند. برای مثال وقتی که در مورد بنای مقبرهٔ کمبوجیه و شباهت آن با کعبهٔ زرتشت در نقش رستم صحبت می‌شود، فرضیات چنین مطرح می‌شوند: «آیا این حجم‌های منظم نشانه اولین رصدخانه‌های جهان هستند؟ آیا خزانهٔ کورش نبوده است؟» و یا در جای دیگر، هنگامی که نشانه‌های حکاکی‌شدهٔ روی سنگ‌ها نشان داده می‌شوند، پرسیده می‌شود: «آیا این نشانه‌ها، نشانه‌های سنگ‌تراشان است؟ آیا نشانهٔ جادو یا ستایش عناصر مقدس است؟» و... .

می‌توان این فیلم را از نظر ساختاری در دستهٔ فیلم‌های توصیفی قرار داد. شیوهٔ بیان این فیلم در اکثر مواقع ترکیبی از شیوه‌های توضیحی و مشاهده‌ای است؛ در عین ارائه اطلاعات دربارهٔ مجموعه آثار پاسارگاد، بدون اظهار نظر به بیان مشاهدات خود و فرضیات مطرح‌شدهٔ باستان‌شناسان می‌پردازد. در قسمت‌هایی نیز فیلم با زبانی فاخر به شیوهٔ شاعرانه متمایل می‌شود. تصویربرداری بسیار خوب، تحقیقات کارگردان، مشاوره با باستان‌شناسان، گفتار متن، و موسیقی این فیلم از عوامل توفیق و اقبال عمومی آن بوده است. می‌توان این فیلم را در دستهٔ فیلم‌های مستند باستان‌شناسی تک‌محوطه‌ای، آموزشی، و پژوهشی طبقه‌بندی کرد (تصویر ۹).

۳. ٦. فیلم مستند «منم داریوش» (۱۳۸۳) ساختهٔ وحید باقرزاده

محصول: گروه مستند شبکهٔ چهار سیما/ پژوهش: ارد عطارپور، وحید باقرزاده، بر اساس مقاله‌ای از دکتر شاهرخ رزمجو/ تصویربردار: عباس صاحب/ گوینده: شهرام درخشان/ انیمیشن: روانبخش صادقی/ نویسندهٔ متن و

تهیه‌کننده: ارد عطارپور/ تدوین: وحید باقرزاده/ کارشناسان: دکتر شاهرخ رزمجو، ژان پرو، فرانسوا والا، رمی بوشارلا/ زمان: ۳٤:۱۱ دقیقه/ زبان: فارسی.

فیلم «منم داریوش» ساختهٔ وحید باقرزاده، مستند گزارشی بسیار دقیق و خوش‌ساختی از کشف مجسمهٔ بی سر داریوش اول در حفاری‌های منطقهٔ شوش در دههٔ ۱۹۷۰ است. این مجسمه توسط پروفسور ژان پرو باستان شناس فرانسوی در ۱۹۷۲ کشف شد و اکنون در موزهٔ ایران باستان نگهداری می‌شود. این فیلم بر مبنای پژوهشی از دکتر شاهرخ رزمجو، با عنوان زخمه بر تندیس، منتشرشده در *مجلهٔ باستانشناسی و تاریخ* در سال ۱۳۷۹[۱۲]، با استفاده از اسناد، عکس‌های قدیمی، مواد آرشیوی و مصاحبه‌های انجام‌شده با کارشناسان از جمله شخص دکتر شاهرخ رزمجو، ژان پرو، فرانسوا والا، و رمی بوشارلا ساخته شده است. می‌توان این فیلم را مقاله‌ای تصویری دربارهٔ کشف و آسیب‌های واردشده بر پیکرهٔ مصری داریوش **دانست.** انیمیشن نیز از تکنیک‌های دیگری است که در این فیلم برای انتقال راحت‌تر اطلاعات و قابل فهم بودن آن مورد استفاده قرار گرفته است. این فیلم را می‌توان در زمرهٔ فیلم‌های مستند باستان‌شناسی «مطالعهٔ فن‌آوری باستان»، آموزشی، پژوهشی، و مستندهای معرف یک فرآیند باستان‌شناسی طبقه‌بندی کرد. شیوهٔ بیان این فیلم توضیحی و ساختار آن ساختار توصیفی است که از منابع آرشیوی و بازسازی نیز سود می‌جوید. این فیلم به سبب مبنا قرار دادن یک پژوهش تخصصی، حضور باستان‌شناسان و متخصصان برجسته، جذابیت موضوع، ساختار صحیح فیلم، استفاده از مواد آرشیوی و انیمیشن، دقت کارگردان، و حمایت تهیه کننده، معیارهای یک فیلم خوب باستان‌شناسی را داراست. همچنین به سبب به‌کارگیری زبان ساده فیلم ارتباط مؤثری با طیف‌های گوناگون مخاطبان برقرار می‌کند. (تصویر ۱۰)

۳ . ۷. فیلم مستند «شکوه تخت جمشید» (۱۳۸۳) ساختهٔ فرزین رضائیان

محصول: طلوع ابتکارات تصویری و کشور کانادا/ مشاوران: دکتر علیرضا شاپور شهبازی، دکتر عباس علیزاده، دکتر ریچارد فرای، دکتر محمدحسن طالبیان، مهندس سیدمحمد بهشتی، محمد قهرمانی، پرفسور رمی بوشارلا، پرفسور متیو استولپر، دکتر عبدالمجید ارفعی، شاهرخ رزمجو، دیوید استروناخ/ تهیه‌کننده: فرزین رضائیان و حسین حضرتی/ فیلمبردار: جهانبخش مهربخش و محمدرضا ساعتچی/ تصویر دیجیتال: مرتضی یاهو و میثم کشاورز/ تدوین: فرزین رضائیان و مرتضی یاهو/ گوینده: احمد رسول‌زاده/ موسیقی: فرید شبخیز/ زمان: ٤۰ دقیقه/ زبان: فارسی و انگلیسی.

فیلم «شکوه تخت جمشید» **اولین** مستند ایرانی است که با اتکا به شیوهٔ دیجیتال انیمیشن ساخته شده است. این فیلم که با سرمایهٔ خصوصی تولید شده، اثری ارزشمند و پیشگام است. تقریباً نیمی از فیلم متکی به تصویرسازی دیجیتالی است و بیننده در برابر تصویرهایی که در آنها ویرانه‌های تخت‌جمشید به کاخ‌های زیبا و غول‌پیکر تبدیل می‌شوند، احساس اعجاب می‌کند. مهندس سیدمحمد بهشتی رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی، ساخت این مجموعه را در سال ۱۳۸۲ش پیش نهاد. و بنا بر این گذاشته شد تا این کار با مشورت علیرضا شاپور شهبازی (مشاور بنیاد پارسه و پاسارگاد) و... انجام شود تا هزینه و زمانی که برای این پروژه صرف می‌شود، نتیجهٔ خوب، مستدل، و قابل استنادی داشته باشد. فرزین رضائیان نیز در فیلم دیگرش «پارسه به روایت نو» و با الگوبرداری از یک فیلم انگلیسی دربارهٔ تخت‌جمشید ـ که در آن از انیمیشن و جلوه‌های ویژه استفاده شده بود ـ دست به تجربه ای جدید زد و از انیمیشن استفاده کرد. انعکاس این امر در جامعه و اقبال عام فیلم «پارسه به روایت نو»، وی را برانگیخت تا

این فیلم را تولید کند. بازسازی ویرانه‌های باستانی به صورت هر چه شبیه‌تر به اصل امروز یکی از زمینه‌های مهم کاربرد تصویرسازی و پویانمایی دیجیتالی است. آثار متعددی از شمار فیلم‌های مستندی که به مطالعات باستان‌شناختی می‌پردازند امروزه از هنر گرافیک کامپیوتری استفاده می‌کنند. این فیلم نیز از گام‌های اولیه برای بازسازی آثار باستانی به این طریق است. از کاخ‌های بازسازی‌شده در این فیلم گاه یکی دو سه ستون باقی مانده است و گاه ردیفی از پایه‌ستون‌هایی که فقط طرحی مبهم از اصل به دست می‌دهند. برای بازسازی تصویری این کاخ‌ها و مجموعهٔ تخت‌جمشید مطالعات بسیاری از باستان‌شناسان دستمایه کار بوده است؛ گروهی از برجسته‌ترین آنها در این فیلم حضور دارند و به معرفی قسمت‌های مختلف تخت‌جمشید می‌پردازند.

فرزین رضائیان برای تهیهٔ این فیلم از یاری بسیاری از کارشناسان آمریکایی، بریتانیایی، و فرانسوی بهره برده است و به مهم‌ترین موزه‌های جهان مانند لوور، آرمیتاژ، متروپولیتن نیویورک و مانند آنها برای تهیهٔ عکس و فیلم مراجعه کرده است. فیلم همان‌طور که در گفتار آن آمده، با این که متکی بر داده‌های باستان‌شناختی است از عنصر تخیل نیز بهره برده است. طبیعی است که اطلاعات از روزگار هخامنشیان چندان کامل نیست تا بازسازی تخت‌جمشید بی کم و کاست صورت گیرد. آنچه در این فیلم ارائه می‌شود، ملاحظاتی است که گرچه داده‌های باستان‌شناختی را در نظر می‌گیرد اما با عنصر تخیل آمیخته است. به نظر می‌رسد که خلاءهای اطلاعات باستان‌شناختی، فیلم را تا اندازه‌ای محدود و در بسیاری موارد آن را به تصویری سه‌بعدی از نقوش دوبعدی تخت جمشید تبدیل کرده است.

فیلم شامل دو بخش اصلی «بار عام شاهی» و «کاخ‌های اصلی تخت‌جمشید» است. در بخش بار عام شاهی بخش‌های بازسازی‌شدهٔ دیجیتالی خالی از آن شکوهی است که قرار بوده نشان داده شود. در واقع از شکوه تخت جمشید تنها و عمدتاً به عظمت کاخ‌ها بسنده شده و کم‌تر بر فضاسازی عمومی آن (به جز چند مورد) تأکید شده است. نشانی از انبوه مردمان و سپاهیان، رفت‌وآمد خادمان و کارگزاران، و ارابه‌های سلطنتی و نظامی و اسبان در فیلم به چشم نمی‌خورد.

از بسیاری از مراسم درباری یا آیینی که نقوش آنها در تخت‌جمشید هست، در فیلم اثری نیست. شاه به همان صورت ایستا که بر نقوش کتیبه‌ها آمده در فیلم ظاهر می‌شود. حرکت واقعی انسان‌ها نشان چندانی در فیلم ندارد. بخشی از این عدم تحرک شاید به علت محدودیت‌های گرافیکی و توانایی‌های لازم برای اجرای طرح‌های پرکار بوده است. بازسازی‌های نمایشی غیر دیجیتالی هم که عمدتاً به شیوهٔ واقع‌گرایانه و با کمک سه چهار بازیگر صورت گرفته است تا سربازان یا سپهبدان یا گام زدن کورش یا داریوش را نشان دهد، با بازی‌های تصنعی و ضعیفی انجام شده است. هیچ یک از بازیگران دارای شخصیت شاهان یا بزرگان نیستند و احساس حضور دوربین را به بیننده منتقل می‌کنند. بخشی از حرکت‌های دیگر هم شاید مطابقتی با اصل نداشته باشد و برخاسته از نگاه امروزین به موضوع است.

با توجه به طبقه‌بندی زیرگونه‌های فیلم مستند باستان‌شناسی، این فیلم در دستهٔ فیلم‌های مستند باستان‌شناسی عمومی قرار می‌گیرد. هرچند این فیلم با کمک و مشاورهٔ باستان‌شناسان ساخته شده و از بودجهٔ مناسبی نیز برخوردار بوده است، از نظر محتوای پژوهشی ضعیف است. برخی اطلاعات فیلم چالش‌برانگیز و در بعضی موارد نادرست است. این فیلم با استفاده از یک رویکرد سینمایی که بیش‌تر تأثیرگذار و عامه‌پسند است تا آموزشی، ساخته شده و هدف اصلی آن برانگیختن حس

شگفتی و تحسین مخاطب نسبت به تخت جمشید است (تصویر ۱۱).

۳. ۸. فیلم مستند «شگفتی‌های تخت جمشید ۱» (۱۳۹۰) ساختهٔ هرمز امامی

محصول: شرکت فیلم‌سازی امامی فیلم/ محقق، نویسنده، کارگردان، و تهیه‌کننده: هرمز امامی/ ناظر علمی: دکتر محمدحسن طالبیان/ مشاوران علمی: دکتر محمدحسن طالبیان، دکتر عبدالمجید ارفعی، پروفسور فرانچسکو کالییری (ایتالیا)، دکتر رمی بوشارلا(فرانسه)، پروفسور هاید ماری کُخ (آلمان)، دکتر علیرضا عسگری، احمدعلی اسدی، افشین یزدانی، مهندس بابک امین‌پور، دکتر آلکساندر ناگل (آمریکا)، استفانو تیلیا (ایتالیا)/ تصویربرداران: جاوید شکیبایی، ایرج مستشیری/ گوینده: ابوالحسن تهامی/ زمان: ٤٦ دقیقه/ زبان: فارسی.

از جملهٔ آثار هرمز امامی که با رویکرد باستان‌شناسی در دههٔ ۱۳۸۰ش ساخته شده می‌توان فیلم‌های زیر را نام برد: «در دامن مهر» (فیلم مستند راهنمای تخت جمشید بر اساس کتاب دکتر علیرضا شاپور شهبازی)، «سرزمین پدری» (منظر فرهنگی پارسه، پاسارگاد، و نقش رستم)، «دور ـ اونتاش» (میراث جهانی چغازنبیل) و «شکوه اردشیر» (شهر تاریخی فیروزآباد).

مستند «شگفتی‌های تخت‌جمشید» (۱۳۸۱–۱۳۹۰)، مجموعه‌ای پنج قسمتی به مدت ۲۲۰ دقیقه است که مراحل پژوهش و تولید آن نه سال به طول انجامیده است. از اهداف تولید این مجموعه کمک به بالا بردن سطح اطلاعات تاریخی دانش‌آموزان، دانشجویان، پژوهشگران، گردشگران، و علاقه‌مندان تاریخ ایران و آشنا کردن آنان با بخشی از سرزمین ایران، همراه با شناساندن هخامنشیان و آثار و اشیای به جامانده از آن دوران است.

در این مجموعه از حمایت علمی و معنوی برخی از مراکز پژوهشی، دانشگاهی و صاحب‌نظران بین‌المللی استفاده شده و برای ارائه مطالب آن از متون تاریخی موثق، مقالات، نظرات پژوهشگران، تاریخ‌نویسان معاصر، و یافته‌های جدید باستان‌شناختی کمک گرفته شده است. با اینکه اطلاعات این فیلم از کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی اخذ شده، ولی زبان‌اش برای مخاطب در هر سطحی قابل فهم است و صرفاً برای گروه باستان‌شناسان یا متخصصان ساخته نشده است. در این فیلم توضیح داده می‌شود که هخامنشیان چگونه و با چه تکنیکی تخت جمشید را ساخته اند؛ نکات مهم مهندسی و معماری، داستان نقوش و جزییات گفته شده است. با توجه به کتاب‌های پراکنده در بارهٔ تخت جمشید، در این مجموعه سعی شده بر اساس منابع علمی، یک مجموعه علمی فشرده و چکیده فراهم شود.

در فیلم اول از این مجموعه که مورد بحث این پژوهش نیز هست، موارد زیر به نمایش گذاشته می‌شوند: موقعیت دشت مرودشت، کوه مقدس مهر یا رحمت، بر پا کردن تختگاه تخت جمشید، آب‌راهه‌های زیرزمینی تختگاه، معادن سنگ تخت‌جمشید، نحوهٔ استخراج و انتقال قطعات سنگ از کان‌ها.

در زمینه پژوهش این قسمت از فیلم از پایان نامه‌های دکتری چند تن از همکاران بنیاد پارسه پاسارگاد (از جمله پایان‌نامهٔ امین امامی دربارهٔ معادن سنگ تخت‌جمشید) و نظرات مشاوران استفاده شده است.

می‌توان این فیلم را با توجه به طبقه‌بندی زیرگونه‌های فیلم مستند باستان‌شناسی در زمرهٔ فیلم‌های مستند باستان‌شناسی تک‌محوطه‌ای طبقه‌بندی کرد. همچنین این فیلم را می‌توان در دستهٔ مستندهای آموزشی، پژوهشی، مستندهای معرف یک فرآیند باستان‌شناسی، مستندهایی که مراکز و ارگانهای مسئول از طریق حمایت‌های مالی از سینمای مستند برای کسب تشخص فرهنگی و اهداف

فرهنگی تولید می‌کنند، و مستندهایی که دربارهٔ دیگر شاخه‌های باستان‌شناسی ساخته می‌شود قرار داد. این فیلم به یمن حضور باستان‌شناسان و متخصصان برجسته و اهل فن و همچنین دقت کارگردان از پشتوانهٔ پژوهشی محکمی برخوردار است. به سبب جذابیت موضوع و پیوند صحیح بخش‌های فیلم با یکدیگر و زبان سادهٔ آن ارتباط مؤثری با هر گروه از مخاطبان برقرار می‌کند. در حقیقت این فیلم عصاره و چکیدهٔ تحقیقات مداوم بنیاد پارسه ـ پاسارگاد و محققان است که با زبانی ساده روایت می‌شود.

علل موفقیت مجموعهٔ «شگفتی‌های تخت‌جمشید» را می‌توان در نکاتی چون جذابیت موضوع، پشتوانهٔ قوی پژوهشی، بودجهٔ مناسب و زمان کافی برای تولید، حضور مشاوران علمی از برجسته‌ترین باستان‌شناسان، متخصصان، کارشناسان، و اهل فن، استفاده از زبانی ساده و همه‌فهم، روایت ساده، تداوم و کشش مناسب فیلم برای مخاطب، جذابیت تصویری (استفاده از تصاویر هوایی)، انیمیشن و گرافیک مناسب برشمرد (تصویر ۱۲).

٤. مقایسه فیلم‌های مستند ایران‌شناسی باستان‌شناختی

در این قسمت و در جدول زیر فیلم‌های مورد بررسی، از نظر شیوهٔ بیان، ساختار، زیرگونه در طبقه‌بندی انواع فیلم‌های مستند باستان‌شناسی، پژوهش و مشاورهٔ علمی با یکدیگر مقایسه می‌شوند.

ردیف	نام فیلم	شیوهٔ بیان	ساختار	زیرگونه	مشاوره	پژوهش
۱.	تخت جمشید (۱۳۳۹) ساختهٔ فریدون رهنما	شاعرانه، مشاهده‌ای	توصیفی	تجریدی ـ شکل‌گرایانه	ندارد	ندارد
۲.	ستون شکسته (۱۳٤٥) ساختهٔ هوشنگ شفتی	شاعرانه	توصیفی	تجریدی ـ شکل گرایانه	ندارد	ندارد
۳.	معماری ایرانی؛ ماد و هخامنشی (۱۳٦۲–۱۳۷۱) ساختهٔ حمید سهیلی مظفر	توضیحی	توصیفی	آموزشی، پژوهشی، تحقیقات وابسته به باستان‌شناسی	دارد	دارد
٤.	خوزستان (۱۳۷٥) زساختهٔ ارد زند	توضیحی	توصیفی	آموزشی، پژوهشی	دارد	دارد
٥.	گیسوی پریشان سنگ (۱۳۸۰) ساختهٔ علی اکبر ولدبیگی	توضیحی	توصیفی	تک محوطه‌ای	دارد	دارد
٦.	منم داریوش (۱۳۸۳) ساختهٔ وحید باقرزاده	توضیحی	توصیفی، بازسازی، آرشیوی	پژوهشی، بیان فرآیند یک عملیات باستان‌شناسی	دارد	دارد
۷.	شکوه تخت جمشید (۱۳۸۳) ساختهٔ فرزین رضائیان	توضیحی	توصیفی، بازسازی	عمومی	دارد	ضعف پژوهش
۸.	شگفتی‌های تخت جمشید۱(۱۳۸۹) ساختهٔ هرمز امامی	توضیحی	توصیفی، بازسازی	آموزشی، پژوهشی، بیان فرآیند یک عملیات باستان‌شناسی	دارد	دارد

جدول۱. بررسی داده‌های فیلم‌های مطالعه شده (مأخذ: نگارندگان).

۵. نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از بررسی این هشت فیلم مستند ایران‌شناسی باستان‌شناختی نشان می‌دهد:

ـ فیلم‌های «تخت جمشید»، «ستون شکسته» با اهداف و روش‌های علم باستان‌شناسی، انطباق آشکار و مشخصی ندارد، بلکه بیش‌تر از لحاظ جنبه‌های زیبایی ظاهری، شکل، روایت‌ها، و تعابیر شاعرانه و اسطوره‌ای از یک دورهٔ تاریخی از ادوار باستان مورد توجه و تمجید مستندسازان قرار گرفته است نه از جنبهٔ تحلیلی به منظور ارائه اطلاعات و شناخت ایران در آن دوران.

ـ اعتبار علمی مستند «شکوه تخت جمشید» که ظاهراً بر پایهٔ پژوهش‌های باستان‌شناسی ساخته شده است، از نظر متخصصان باستان‌شناسی، در معرض تردید قرار گرفته و محل بحث و تأمل است. پژوهش این فیلم غیر تحلیلی، بیش‌تر توصیفی یا گزارشی است. در این فیلم به جای استفاده از روش مطالعهٔ موضوعات علم باستان‌شناسی، به‌ویژه موضوعات مربوط به شناخت تحلیلی آثار و ویژگی‌های تمدن هخامنشیان، مستقیماً از نظر کارشناسان و از گفته‌های آنها در صورت یک مصاحبه تصویری در فیلم‌ها ـ و گاه در فضایی منتزع از فضای موضوع مورد مطالعه ـ استفاده شده است. در این فیلم احساس نوستالژی، اندوه و حسرت از دست رفتن یک گذشتهٔ باشکوه و غمِ یک دوران درخشانِ سپری‌شده و تجدیدناپذیر به چشم می‌خورد. این حس شخصی مستندساز غالباً مانع یا جایگزین یک تبیین علمی از موضوع مورد مطالعه شده است و گاه به فیلم حالتی تبلیغی و تهییجی داده است که در گفتار متن فیلم کاملاً مشهود است.

ـ از منظر باستان‌شناسی پژوهش فیلم‌های «معماری ایرانی؛ ماد و هخامنشی»، «خوزستان»، «گیسوی پریشان سنگ»، «منم داریوش»، و «شگفتی‌های تخت‌جمشید» مورد تأیید است و حتی دو فیلم آخر، مقالاتی تصویری اند و بر اساس پژوهش‌های مدقن در زمینهٔ باستان‌شناسی ساخته شده اند.

بررسی و مقایسه این فیلم‌ها نشان می‌دهد با رشد تکنولوژی، حمایت‌های مادی و معنوی از فیلم‌های مستند باستان‌شناسی، تکیه بر پژوهش‌های تخصصی، تعمیق مباحث نظری، و همکاری تنگاتنگ بین مستندسازان و باستان‌شناسان و با تداوم در این حوزه می‌توان دستاوردهایی بهتر نسبت به گذشته کسب کرد.

پانوشت‌ها:

1. Casper J. Kramer
2. Jean Laude

۳. فیلم‌های مستند را به شیوه‌های زیر می‌توانیم طبقه‌بندی کنیم:

الف. بر پایه موضوع؛ ب. بر پایه اهداف، دیدگاه‌ها، و رویکرد؛ ج. بر پایهٔ شکل و ساختار؛ د. بر پایهٔ شیوه‌ها و تکنیک‌های تولید (فرایند تولید انواع مستند)؛ ه. بر پایهٔ نوع تجربه‌ای که به مخاطب منتقل می‌کند (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۷: ۲۹۵).

٤. این دسته‌بندی با تعمیم و مطابقت با نظریهٔ دکتر احمد ضابطی جهرمی در زمینهٔ «فیلم مستند صنعتی و زیرگونه‌های آن» که در کتاب *سی سال سینما* (۱۳۸۷) ارائه شده، انجام شده است.

5. Andre Leroi- Gourhan
6. Dorothy Garrod's
7. Carmel
8. the Rainbow Bridge-Monument Valley
9. Garner
10. Shell Mounds
11. Tennessee Valley Authority

۱۲. رزمجو، شاهرخ (۱۳۷۹)، «زخمه بر تندیس، تحلیلی بر آسیب‌های واردشده بر پیکرهٔ مصری داریوش»، در : *مجلهٔ باستانشناسی و تاریخ*، سال ١٤، شماره ۲.

منابع و ماخذ:

- امامی، همایون (۱۳۸۸)، *جستاری در گونه شناسی سینمای مستند ایران*، تهران: اداره کل پژوهشهای سیما.
- امامی، همایون (۱۳۸۹)، *نقدی بر سیر تحول گفتار در سینمای مستند*، تهران : دانشکده صدا و سیما.

- تهامی‌نژاد، محمد (۱۳۸۱)، *سینمای مستند ایران عرصه تفاوتها*، تهران : سروش.
- دهقان‌پور، حمید (۱۳۸۲)، *سینمای مستند ایران و جهان*، تهران: سمت.
- ضابطی جهرمی، احمد (۱۳۸۷)، *سی سال سینما، گزیده مقالات سینمایی (۱۳۵۵-۱۳۸۵)*، تهران: نی (چاپ اول).
- فکوهی، ناصر (۱۳۸٦)، *در آمدی بر انسان‌شناسی تصویری و فیلم اتنوگرافیک*، تهران: نی.
- ملک شهمیرزادی، صادق (۱۳۸۱) *ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (چاپ دوم).
- مهرابی، مسعود (۱۳۷۵)، *فرهنگ فیلم‌های مستند سینمای ایران از آغاز تا سال ۱۳۷۵*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نفیسی، حمید (۱۳۵۷)، *فیلم مستند*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- Wight Beale,Thomas & F. Healy, Paul (1975) ***Archaeological Films: The past as present***, American Anthropologist:New Series, Vol. 77, No. 4, Blackwell Publishing.

فیلم‌ها:

۱. فیلم «تخت‌جمشید» (۱۳۳۹) ساختهٔ فریدون رهنما.
۲. فیلم «ستون شکسته» (۱۳٤٥) ساختهٔ هوشنگ شفتی.
۳. فیلم «معماری ایرانی ماد و هخامنشی» (۱۳٦۲-۱۳۷۱) ساختهٔ حمید سهیلی مظفر.
٤. فیلم «خوزستان» (۱۳۷٥) ساختهٔ ارد زند.
٥. فیلم «گیسوی پریشان سنگ» (۱۳۸۰) ساختهٔ علی‌اکبر ولدبیگی.
٦. فیلم «منم داریوش» (۱۳۸۳) ساختهٔ وحید باقرزاده.
۷. فیلم «شکوه تخت‌جمشید» (۱۳۸۳) ساختهٔ فرزین رضائیان.
۸. فیلم «شگفتی‌های تخت‌جمشید۱» (۱۳۸۹) ساختهٔ هرمز امامی.

مصاحبه‌ها:

۹. مصاحبه با آقای ارد زند (۱۳۹۰/۷/۸).
۱۰. مصاحبه با آقای علی‌اکبر ولد بیگی(۱۳۹۰/۷/۲٥).





تصاویر ۱ و ۲. مربوط به فیلم‌هایی که از فعالیت‌های هیئت‌های باستان‌شناسی موسسهٔ شرق شناسی دانشگاه شیکاگو به ریاست ارنست هرتسفلد و اریک اشمیت در تخت‌جمشید در سال ۱۳۱۲ش تهیه شده است.





تصاویر ۳ و ٤. تخت‌جمشید (۱۳۳۹) ساختهٔ فریدون رهنما.



تصویر ۵. «ستون شکسته» (۱۳٤۵) ساختهٔ هوشنگ شفتی.

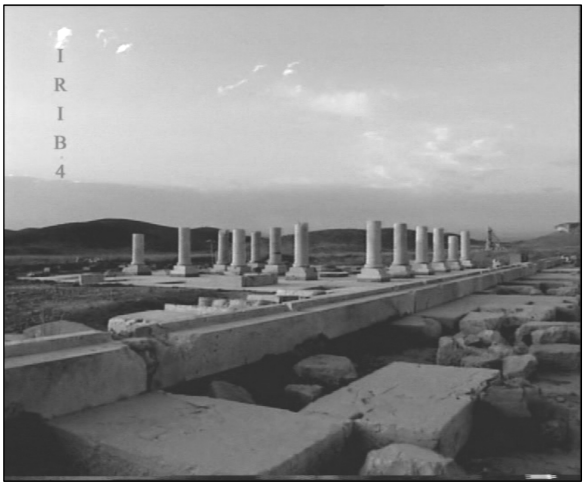


تصویر ٦. معماری ایرانی؛ ماد و هخامنشی (۱۳٦۲-۱۳۷۱)، ساختهٔ حمید سهیلی.





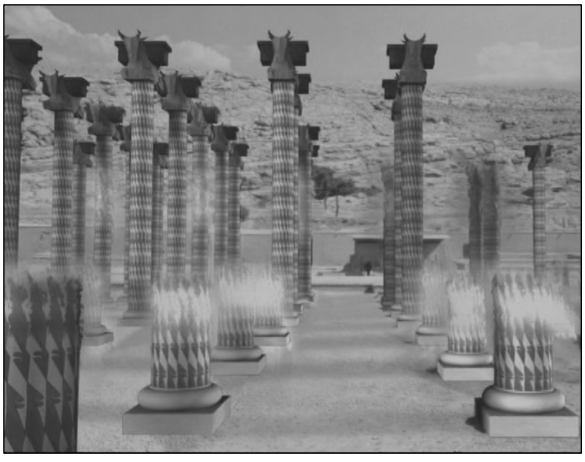
تصاویر ۷ و ۸. خوزستان (۱۳۷۵)، ساختهٔ ارد زند.



تصویر ۹. گیسوی پریشان سنگ (۱۳۸۰) ساختهٔ علی‌اکبر ولدبیگی.



تصویر ۱۰. منم داریوش (۱۳۸۳)، ساختهٔ وحید باقرزاده.



تصویر ۱۱. شکوه تخت‌جمشید (۱۳۸۳)، ساختهٔ فرزین رضائیان.



تصویر ۱۲. شگفتی‌های تخت‌جمشید» (۱۳۸۱–۱۳۹۰) ساختهٔ هرمز امامی.